

اینها حتی دو ساعت، سه ساعت نتوانستند در برابر نیروهای رزمی امارت اسلامی مقاومت کنند. به آن دلیل بود که امارت اسلامی به راحتی یعنی طی یک هفته تمامی کلانشهرهای افغانستان را تصرف کردند چون مردم افغانستان، همه از امریکایی‌ها و ناتو و هم از دولت دست نشانده امریکا به دلیل فساد مختلف مانند فساد اخلاقی، فساد مالی، فساد اداری و سوءاستفاده‌های مختلف از قدرت و ثروتی که وجود داشت و هم کسانی که داعیه جهاد در برابر شوروی را سر می‌دادند، متنفر بودند. بنابراین اینها هم پشتوانه‌ها و ریشه‌های تاریخی و مردمی را از دست داده بودند.

شما روز بیست و چهارم مرداد ماه روز خروج را و نهم شهریور ماه، روز فتح کابل را از دیدگاه خودتان برای ما روایت کنید.

روزی که کابل فتح شد، یک روزی قطعاً تاریخی در تاریخ تحولات سیاسی معاصر افغانستان است. نکته برجسته و ممتاز این بود که وقتی نیروهای رزمی امارت اسلامی وارد کابل شدند، برعکس آنچه شماری در اذهان عمومی تزریق کرده بودند که ممکن است جور و چپاول و غارت صورت بگیرد و خیلی‌ها اعدام شوند، رخ نداد بلکه کابل بسیار به صورت مسالمت‌آمیز تسخیر شد و همزمان با آن سیاست عفو عمومی از سوی امارت اسلامی اعلام شد که یک نقطه آرامش‌بخش برای تمام شهروندان کابلی و برای تمام مردم افغانستان بود. در گذشته مردم این را مقایسه می‌کردند با دوره‌ای که مجاهدین بعد از فتح کابل و سرنگونی دولت نجیب‌الله وارد افغانستان و پایتخت شدند، در آن زمان مردم خاطره بسیار تلخی را به یاد دارند، در هر محله کابل گروه‌های جهادی با هم درگیر شدند و حمام خون به راه افتاد و فجایی اتفاق افتاد که تاریخ افغانستان از آن شرم دارد و من هم نمی‌توانم آن را به زبان بیاورم. بسیار حوادث تلخی را رقم زدند و افغانستان تمام افتخارات جهاد خود را از دست داد و مبارزات آزادی‌بخش مردم افغانستان غارت و در اذهان عمومی مخدوش شد. برعکس وقتی نیروهای رزمی امارت اسلامی وارد کابل شدند چنین اتفاقات تلخی نیفتاد و به راحتی بدون اینکه آمادگی داشته باشند امنیت پایتخت و امنیت افغانستان را تأمین کردند یعنی اینها با فشار مضاعف سیاسی و امنیتی روبه‌رو بودند اما با همه این وضعیت چون آمادگی نداشتند وقتی که آقای اشرف غنی فرار کرد اینها در برابر یک عمل غیرمترقبه قرار گرفتند. مردم به خاطر اینکه ممکن بود غارتی صورت بگیرد و سارق‌ها از این وضعیت به نفع خود استفاده کرده و چپاولی صورت بگیرد و انتقام‌های شخصی رخ دهد، از نیروهای رزمی امارت اسلامی خواستند که وارد کابل بشوند و امنیت پایتخت را در دست بگیرند؛ بنابراین اینها به درخواست مردم، وارد پایتخت شده و امنیت مردم را تأمین کردند و هیچ اتفاق تلخی نیفتاد.

شما به عنوان یک مطالبه‌گر، کسی که پشت این میز می‌نشیند و یک امضایش می‌تواند در معیشت و اقتصاد مردم از کشاورزی که در روستاهای دور است تا صاحب منصبی که در پایتخت زندگی می‌کند تغییر ایجاد کند، از دکتر عبداللطیف نظری چه مطالبه‌ای دارید؟

اولاً در حکومت گذشته همان دوره نام نهاد جمهوریت بارها به عنوان معین یا معاون، از من دعوت شد، اما قبول نکردم به دلیل اینکه دیدگاه من، دیدگاه انتقادی بود و اصولاً من کار کردن در حکومتی که ریشه‌های مردمی نداشت و وابسته به بیگانه بود را قبول نداشتم. ما شاهد بودیم خارجی‌ها سرزده به افغانستان می‌آمدند، من همیشه در رسانه‌ها از این انتقاد می‌کردم و این را نقص حاکمیت ملی و استقلال سیاسی و حتی تمامیت